خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۴ . ۷ صفر ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۱۲۴

حرکت اربعین حسینی در معرض دید همه جهان است

آیت‌ا... صافی گلپایگانی از مراجع تقلید، حرکت پیاده‌روی اربعین حسینی را حرکتی الهی ذکر کرد که در معرض دید همه جهان است. به گزارش ایسنا، این مرجع تقلید متخلق بودن به اخلاق حسینی را از ویژگی‌های مهم خادمان اربعین دانست و بیان کرد: همه کسانی که در این برنامه عظیم توفیق خدمتگزاری دارند، باید ارتباط خود را با اهل بیت(ع) و به‌ویژه حضرت سیدالشهدا(ع) بیشتر کنند.

بزرگداشت

سلمان فارسی؛ جست‌وجوگر حقیقت

رودسری- سلمان فارسی، صحابی ایرانی رسول خدا(ص)، در نخستین سال هجرت و در ماه جمادی الاول، اسلام آورد. «طبری» در کتاب «تاریخ الامم و الملوک» می نویسد: «کنیه سلمان فارسی، ابوعبدا... بود. وی در روستایی که نزدیک اصفهان قرار داشت، به دنیا آمد. برخی می گویند زادگاهش شهر رامهرمز بوده است.» «ابن سعد» در «طبقات الکبری»، زادگاه سلمان را روستای «جی» در اصفهان می داند. او در خانواده ای ثروتمند متولد شد. پدرش، که «طبری» وی را «بوذخشان» معرفی کرده است، از زمین داران و دهقانان بزرگ منطقه خود بود. از جوانی سلمان اطلاع چندانی در دست نیست؛ همین قدر می دانیم که از عنفوان جوانی تشنه حقیقت بود؛ روحیه جست‌وجوگرش، او را با مسیحیت آشنا کرد و مدتی بعد، دین زرتشتی را کنار گذاشت و پیرو آیین مسیح شد. خانواده اش که تغییر مذهب سلمان را بر نمی تابیدند، او را زندانی کردند و برای بازگشت به آیین اجدادی اش، تحت فشار گذاشتند؛ اما سلمان از زندان گریخت و خود را به موصل رساند. او در موصل مدتی در یک دیر، کنج عزلت گزید و هنگامی که از راهبی شنید به‌زودی پیامبر آخرالزمان در حجاز ظهور خواهد کرد، بار سفر بست و راهی این سرزمین شد. در همین سفر بود که اعراب «بنی کلب» او را اسیر کردند. «طبری» می نویسد: «سلمان توسط افرادی از بنی کلب اسیر شد. او را چون برده ای به یثرب بردند و یکی از یهودیان وادی القری، سلمان را خرید و به کار گری گرفت.» «زمانی که رسول خدا(ص) از مکه به مدینه هجرت کردند و خبر ورود آن حضرت به گوش سلمان رسید، فوراً خود را به پیامبر اکرم(ص) رساند و پس از مشاهده نشانه های نبوت، اسلام آورد. ظاهراً سلمان پس از اسلام آوردن، مورد آزار و اذیت ارباب یهودی اش قرار گرفت. به همین دلیل، رسول خدا(ص) تعدادی از اصحاب برای آزادی وی اقدام کردند. به نوشته «ابن هشام»، در «سیرة النبویة»، «بهای آزادی سلمان، غرس ۳۰۰ یا ۴۰۰ اصله درخت خرما و ۴۰ اوقیه [ظاهراً هر اوقیه معادل ۷ مثقال بوده است] طلا بود که از سوی رسول خدا(ص) و با کمک صحابه پرداخت شد.» پیامبر اسلام(ص) پس از آزادی، نام سلمان را برای او برگزیدند؛ تا پیش از آن وی را به اسم ایرانی اش، «روزبه» می خواندند. به نوشته «ثقة الاسلام کلینی» در جلد دوم «اصول کافی»، پیامبر اکرم(ص) در روز اخوت، سلمان و ابوذر را برادر دینی یکدیگر قرار داد. سلمان فارسی، در دوران حیات رسول خدا(ص) پیوسته در کنار آن حضرت بود و از دریای معارف الهی پیامبر خدا(ص) بهره مند شد. پیامبر اکرم(ص) سلمان را گرامی می داشت و او را در زمره اهل بیتش قرار داده بود. به نوشته «آیت ا... سبحانی» در کتاب ارزشمند «فروغ ابدیت»، سلمان همواره مورد عنایت رسول خدا(ص) بود و آن حضرت افسار ناقه دختر گرامی اش، حضرت فاطمه زهرا(س) را در شب عروسی به دست سلمان سپرد تا آن حضرت را تا منزل همسر بزرگوارش، امیر مؤمنان(ع) مشایعت کند. سلمان پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) در زمره دوستان و همراهان امام علی(ع) بود و سرانجام، در سال ۳۶ هـ.ق در مدائن درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. سلمان فارسی عمری طولانی داشت و برخی مورخان، سن وی را در زمان وفات بیش از ۱۰۰ سال می دانند.

تدابیر امام موسی کاظم(ع) برای رویارویی با عباسیان

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

دوران زندگی امام موسی کاظم(ع) با حکومت نخستین خلفای عباسی همزمان بود. عباسیان که به بهانه خویشاوندی با رسول خدا(ص)، مردم را فریب داده بودند، در نخستین سال های حکومت، می کوشیدند رفتار نسبتاً ملایمی در برابر علویان در پیش گیرند. با این حال، این رویکرد عوام فریبانه دیری نپایید و با استقرار قطعی بنی عباس بر سریر قدرت، رفتار آنها نسبت به علویان تغییر کرد. این تغییر رویه، به ویژه، پس از قیام هایی که برای حمایت از علویان در مناطق مختلف جهان اسلام به وقوع پیوست، شدت بیشتری پیدا کرد. به نوشته «محمد بن علی بن طقطقی» در کتاب «الفخری»، «منصور دوانقی»، پس از سرکوب قیام علویان، به رهبری «محمد بن عبدا... بن حسن»، در حجاز، شمار فراوانی از علویان را به شهادت رساند و شمار بیشتری از آنها در زندان های او به شهادت رسیدند. استاد «رسول جعفریان»، در کتاب «حیات فکری امامان شیعه(ع)» می نویسد: «این اِعمال فشار از زمان امام صادق(ع) آغاز شد و تا زمان امام رضا(ع) که دوره خلافت مأمون بود، با شدت هر چه تمام تر ادامه پیدا کرد.» مورخان شیعه از این دوران با عنوان «مرحله نخست استبداد و ستمگری عباسیان» یاد کرده اند. مشی خصمانه خلفای عباسی در برخورد با شیعیان و علویان، همانند برخورد امویان با آن ها بود و گاه سخت گیری های عباسیان از دوره اموی نیز پیشی می گرفت. دوران امامت امام کاظم(ع)، در اوج این سخت گیری ها و محدودیت ها سپری شد. بیشتر سالیان عمر پربرکت آن حضرت، در دوران حکومت هارون، پنجمین و مقتدرترین خلیفه عباسی، گذشت. با این حال، این امر مانع از مجاهدت های امام کاظم(ع) برای گسترش معارف اهل بیت(ع) نشد.

■ **ماهیت واقعی هارون**

استاد «باقر شریف القرشی» در کتاب «حیاة الامام موسی بن جعفر(ع)» می نویسد: «خلافت [پس از هادی] به هارون رسید. دنیا به کام او بود؛ هر چه در پی آن بود، به دست می آورد و نفوذش در تمام جهان اسلام گسترش یافت ... خراج سراسر سرزمین های اسلامی به دست هارون می رسید و پایتخت او، بغداد، عروس شهرهای دنیا لقب گرفته بود... هارون در دوران خلافتش، مستبدانه حکومت می کرد و هیچ مانعی برای رسیدن به خواسته هایش وجود نداشت.» هارون، فردی زیرک و سیّاس بود. او از جایگاه امامان شیعه(ع) در میان مردم آگاه بود و به همین دلیل می کوشید تا از نفوذ معنوی امام کاظم(ع) بکاهد. هارون، دو بار امام کاظم(ع) را زندانی کرد و در بار دوم، آن حضرت را به شهادت رساند. با وجود سخت گیری های دستگاه خلافت عباسی، امام(ع) از هر فرصتی برای بیان حقایق بهره می بردند.

■ **افشاگری امام(ع) در مدینه**

یک نمونه از این افشاگری ها، در ماه رمضان سال ۱۷۹ و زمانی که هارون به مدینه رفته بود، روی داد. او مانند پدرانش، خود را خویشاوند پیامبر اسلام(ص)، معرفی می کرد و با طرح این مسئله، در پی سوءاستفاده از نام رسول خدا(ص) برای سرپوش گذاشتن بر بیدادهای خود بود. «ابن اثیر» در جلد ششم «الکامل فی التاریخ» می نویسد: «هارون به مدینه بازگشت و بر مرقد رسول خدا(ص) وارد شد تا آن را زیارت کند، در حالی که مردم همراه او بودند؛ هنگامی که به انتهای مرقد مطهر رسید، ایستاد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! ای پسر عمو! و در واقع می خواست با پیش کشیدن این مسئله، انتساب خود به رسول خدا(ص) را مایه فخر و مباهات بر دیگران قرار دهد. در این وقت، موسی بن جعفر(ع) که در آن مکان حاضر بود، با صدای بلند گفت: پدر عزیزم! سلام بر تو باد! رنگ صورت هارون با شنیدن این سخن تغییر کرد و گفت: این برای شما افتخار بزرگی است! آن گاه دستور داد موسی بن جعفر(ع) را بازداشت کردند و همراه هارون به بغداد بردند و زندانی کردند.»

■ **مبارزه با دستگاه خلافت عباسی**

ماجرای دیگری که می توان از آن به عنوان نمونه ای از مبارزه امام کاظم(ع) در برابر هارون و حکومت ستمگرانه او یاد کرد، ماجرای «صفوان جَمّال» است. «صفوان بن مهران» یکی از شیعیان و یاران امام کاظم(ع) محسوب می شد. شغل «صفوان» شترداری بود و معمولاً شترانش را برای حمل کالا و مسافر کرایه می داد. در یکی از سال ها، هارون پیشنهاد کرد «صفوان» شترانش را برای سفر حج به وی کرایه دهد. «محمد بن عمر کشی» در جلد دوم کتاب «رجال» خود می نویسد: «محمد بن اسماعیل رازی از حسن بن علی فضال و او از صفوان بن مهران جَمّال روایت کرده است که نزد ابی الحسن اول(ع) [امام کاظم(ع)] رفتم. آن حضرت به من فرمود: صفوان! همه کارهای تو خوب است، مگر یک کار! عرض کردم: فدایت شوم، کدام کار؟ فرمود: کرایه دادن شترانت به این مرد، یعنی هارون. عرض کردم: به خدا سوگند شتران را برای شکار و مسافرت لهو و لعب کرایه نداده ام؛ قصد هارون از کرایه شتران سفر حج است؛ حتی من با او نمی روم و افراد دیگری شتران را هدایت می کنند. امام(ع) فرمود: صفوان! آیا توقع داری که او کرایه شترانت را بپردازد؟ عرض کردم: بله! فدایت شوم. فرمود: آیا دوست داری تا زمانی که کرایه تو را می پردازد زنده بماند؟ عرض کردم: بله! فرمود: هر کس زندگی آنها را بخواهد از آنهاست و هر کس از آنها باشد اهل دوزخ است. صفوان می گوید: رفتم و تمام شترانم را فروختم. وقتی خبر این کار به هارون رسید، مرا احضار کرد و پرسید: به من گفته اند شترانت را فروخته ای؟ گفتم: بله! پرسید: چرا؟ گفتم: دیگر پیر شده ام و خدمتکارانم کارها را درست انجام نمی دهند. هارون گفت: گمان می کنی نمی دانم که تو این کار را به اشاره موسی به جعفر انجام داده ای؟ گفتم: من کجا و موسی بن جعفر کجا؟ با عصبانیت فریاد زد: از این جا دور شو! به خدا سوگند اگر هم صحبتی دیرینه ما نبود، تو را می کشتم.» با این حال، رویکرد امام(ع) در بیان حقایق و نیز هدایت شیعیان، به گونه ای بود که کمتر حساسیت دستگاه خلافت عباسی را بر می انگیخت. حتی با اجازه امام کاظم(ع)، تعدادی از دوستداران و شیعیان آن حضرت، به کسوت کارگزاران دستگاه خلافت عباسی درآمده بودند. این افراد، با هدایت و مدیریت امام کاظم(ع) به گونه ای عمل می کردند که هویتشان در دستگاه پرجاسوس هارون، مخفی بماند و سعایت افرادی مانند «یحیی بن خالد برمکی» از این افراد، نزد هارون، مؤثر واقع نشود.

■ **مبارزه با سلاح تقیه**

افزون بر این، سیره عملی امام کاظم(ع) نیز، مانع از بهانه تراشی هارون علیه آن حضرت می شد. هنگامی که با سعایت «یحیی بن خالد برمکی»، فردی به نام «علی بن اسماعیل» به دروغ شهادت داد که امام کاظم(ع) در پی قیام علیه هارون است، وی دستور بازداشت امام(ع) را داد و آن حضرت را به بصره فرستاد و در آن جا زندانی کرد، اما کارگزاران هارون دلیلی برای ادامه بازداشت امام(ع) پیدا نکردند. «ابوالفرج اصفهانی» در «مقاتل الطالبیین» (ترجمه استاد رسولی محلاتی) می نویسد: «هارون دستور داد آن حضرت را در حالی که در مسجد مدینه بود، دستگیر کردند و به نزد او بردند و در کُند و زنجیر بستند، سپس دو مَحمِل ترتیب داد که اطراف آنها پوشیده بود و موسی بن جعفر(ع) را در یکی از آنها جای داد و آن دو را به سوی کوفه فرستاد و این کار را به آن جهت کرد که مردم ندانند موسی بن جعفر(ع) را به کجا برده اند و البته موسی بن جعفر(ع) در آن مَحمِلی بود که به سوی بصره بردند و هارون به فرستاده خود دستور داد او را در بصره به عیسی بن جعفر بن منصور تسلیم کند. عیسی بن جعفر یک سال آن حضرت را نزد خود زندانی کرد و پس از آن، به هارون نوشت: موسی بن جعفر را از من بگیر و به هر که می خواهی تسلیم کن و گرنه من او را رها می کنم؛ چون در این مدت هر چه خواسته ام بهانه ای برای زندانی کردن و نگه داشتنش به دست بیاورم، نتوانستم، حتی من گوش داده ام ببینم آیا در دعاهای خود، به من یا به تو نفرین می کند و چیزی نشنیده ام، جز آنکه برای خود دعا می کند و از خدا رحمت و آمرزش می خواهد. هارون کسی را فرستاد تا آن حضرت را از او تحویل بگیرد و سپس ایشان را به بغداد بردند و در نزد فضل بن ربیع زندانی کردند و روزگاری در نزد فضل زندانی بود.» به نوشته استاد «رسول جعفریان» در کتاب «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه(ع)»، نامه «عیسی بن جعفر» به هارون، از یک سو، نشان دهنده زهد و پارسایی امام موسی کاظم(ع) و از سوی دیگر، بیانگر سیره عملی آن حضرت در استفاده از تقیه است.

■ **ماجرای «علی بن یقطین»**

هوشیاری امام کاظم(ع) در مواجهه و مبارزه با خلافت عباسی را می توان در توصیه آن حضرت به «علی بن یقطین» نیز مشاهده کرد. وی از یاران خاص امام کاظم(ع) بود که در دوران مهدی و هارون عباسی، نفوذ بسیاری در دربار پیدا کرد و از این نفوذ برای نجات شیعیان بهره می برد. «علامه مجلسی» در جلد چهل و هشتم «بحار الانوار»، در این باره، روایتی از کتاب «حقوق المؤمنین» و به نقل از «علی بن طاهر» نقل کرده است. بر اساس این روایت، «علی بن یقطین که از اصحاب خاص امام کاظم(ع) بود، از آن حضرت اجازه خواست تا خدمت به حکومت عباسی را ترک کند؛ اما امام(ع) اجازه نداد و فرمود: این کار را نکن، ما می خواهیم که تو به کارت ادامه دهی. تو مایه عزت برادرانت هستی. ای بسا، خداوند به وسیله تو شکستی را برای دوستانش جبران کند. ای علی! کفاره اعمال تو [خدمت به دستگاه خلافت] نیکی به برادران توست. تو یک کار را انجام بده، تا من سه چیز را برایت ضمانت کنم. تو قول بده با هیچ یک از دوستان ما بر خورد نکنی، مگر آن که کار او را راه بیندازی و گرامی اش بداری و من برایت ضمانت می کنم که هیچ گاه سقف زندان بر سرت گسترده نخواهد شد، هیچ گاه حد شمشیر دامن تو را نخواهد گرفت و هرگز فقر راهی به خانه تو باز نخواهد کرد.» زمانی که امام(ع) به دستور هارون بازداشت و به بصره فرستاده شد، «علی بن یقطین» به دیدن آن حضرت رفت و از شرایطی که برای ایشان به وجود آمده بود، اظهار تأسف کرد و درخواست کرد که امام کاظم(ع) به او اجازه خروج از خدمت دستگاه خلافت را بدهد؛ «محمد بن عمر کشی» در کتاب «رجال» خود درباره واکنش امام(ع) به این درخواست، می نویسد: «یا علی إن لله تعالی أولیاء مع أولیاء الظلمه لیدفع بهم عن أولیائه، و أنت منهم یا علی. [امام کاظم(ع) به علی بن یقطین فرمود:] ای علی! خداوند دوستانی در میان طرفداران ستمکاران دارد که به وسیله آنها از دوستانش دفع شر می کند و تو، ای علی، در زمره همان ها هستی.» «شیخ مفید» در «الارشاد» آورده است که نسبت به «علی بن یقطین» از سوی سایر درباریان هارون، بارها دسیسه هایی طراحی و اجرا شد، اما او توانست با استفاده از تقیه و آموزش های امام کاظم(ع)، از مهلکه نجات پیدا کند.

سخن اندیشه

ارزش و شیوه «محاسبه نفس» در کلام امام کاظم(ع)

حجت الاسلام دکتر جواهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی

موعظه های امام کاظم علیه السلام، موعظه هایی جهانی و جاویدان است. وصیت های امام هفتم به اصحاب خویش، راهنمای بشریت تا روز رستاخیز است. در رهنمود های امام موسی بن جعفر علیه السلام به هشام بن حکم بغدادی کندی، اصول سبک عالی زندگی نهفته است. باید این وصایای جامع، سازنده و راهگشا همواره مطالعه و از آن ها بهره برده شود. هر فراز از آن سفارش های اخلاقی، بیان کننده یک اصل و قانون رشد و تکامل است و مجموعه آن ها، در بردارنده شاخص های انسان کامل است. یکی از اصول اخلاقی متعالی، اصل "محاسبه نفس" است. امام کاظم علیه السلام به هشام در باره ارزش و شیوه محاسبه فرمودند: یا هشام! لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنا استزاد و منه و ان عمل سیئا استغفرا... منه و تاب الیه (تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص ۳۸۳، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۹۶)؛ ای هشام! کسی که نفسش را هر روز محاسبه نکند از ما نیست.

بررسی کند اگر کار نیکی انجام داده است از خدا طلب افزایش آن را کند و اگر کار بدی انجام داده است، از خدا برای آن طلب آمرزش کند و به سوی خدا برگردد و توبه کند. امام هفتم علیه السلام در این حدیث، هم ارزش و هم روش محاسبه را آموزش داده اند.

■ **ارزش محاسبه**

محاسبه نفس به معنای بررسی و ارزیابی رفتار و گفتار، بر اساس احکام و ارزش های اسلامی است. زمان تعیین شده در این حدیث "روز" است. مومن باید در پایان هر روز کارنامه اش را نگاه کند و ببیند از صبح که بیدار شده تا آخر روز، چه کرده است. محاسبه، آثار و منافع فراوانی دارد و بر همین اساس، از وظایف اخلاقی روزانه قرار گرفته است.

امام کاظم علیه السلام کوتاهی در محاسبه روزانه را به شدت نکوهش کرده و هشدار داده اند: هر کس کارنامه اش را در هر روز محاسبه نکند، از ما نیست. "لیس منا" جمله ای است که بار منفی زیادی دارد. رها کننده "محاسبه روزانه" خود را از همراهی با اهل بیت(ع) دور کرده است، بنابراین سنت اهل بیت(ع) و شیعه اهل بیت(ع) محاسبه روزانه است و هر کسی این کار را در برنامه روزانه خویش قرار ندهد، از فرهنگ و آموزه های اهل بیت(ع) و صفات شیعیان راستین جدا شده است. در مقابل، هر کس محاسبه روزانه داشته باشد، از امتیاز «مَعَنا» برخوردار می شود. معنا به معنای با ماست و «منا» به معنای از ماست. "مَعَنا" ضد "لیس منا" است و در تقابل با آن قرار دارد.

■ **شیوه محاسبه**

محاسبه در ظرف زمانی روزانه انجام می شود و فرد باید تمام اقدامات و کارهای خود را مرور کند؛ در روز جاری چه گفته است؟ چه برخوردهایی داشته است؟ چه اعمالی از وی سرزده است؟ او باید تمام اجزای رفتار و گفتار روزانه اش را بشمارد و بر اساس شرع و عقل ارزیابی کند.

مناسبت

تجلی مکارم اخلاق در سیره امام حسن مجتبی(ع)

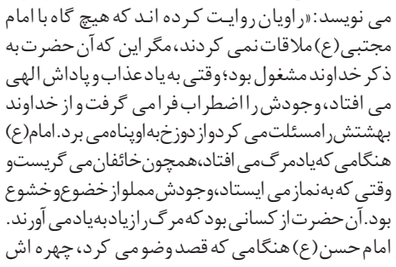

نوائیان - «مسلم بن حجاج نیشابوری»، محدث مشهور اهل سنت، در کتاب خود، «صحیح مسلم»، روایتی منقول را درباره جایگاه امام حسن مجتبی(ع)، نزد رسول خدا(ص) آورده است. او می نویسد: «رسول خدا(ص) را دیدم که حسن(ع) را در آغوش گرفته بود و می فرمود: بار خدایا! من حسن را دوست می دارم، تو نیز او را دوست بدار.» درباره جایگاه ممتاز و ویژه امام حسن(ع) نزد پیامبر گرامی اسلام(ص)، اختلافی میان دانشمندان شیعه و اهل سنت وجود ندارد. آن حضرت در دامان رسول خدا(ص) پرورش یافت؛ همان پیامبری که خداوند او را با عبارت «وَإِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظیم» ستوده است. مورخان، خوی و مَنش امام حسن(ع) را همانند پیامبر اکرم(ص) توصیف کرده اند.

■ **پارسایی امام مجتبی(ع)**

«ابونعیم» در «تاریخ أصبهان»، «ابن سعد» در «ترجمة الامام الحسن(ع)» و نیز سایر مورخان جهان اسلام، زهد و پارسایی امام مجتبی(ع) را ستوده اند. آن حضرت با پای پیاده، بیست بار به حج مشرف شد و می فرمود: «شرم دارم خداوند را در حالی ملاقات کنم که پیاده به خانه او نرفته باشم». «باقر شریف القرشی» در کتاب ارزشمند «حیاة الامام الحسن(ع)» می نویسد: «راویان روایت کرده اند که هیچ گاه با امام مجتبی(ع) ملاقات نمی کردند، مگر این که آن حضرت به ذکر خداوند مشغول بود؛ وقتی به یاد عذاب و پاداش الهی می افتاد، وجودش را اضطراب فرا می گرفت و از خداوند بهشتش را مسئلت می کرد و از دوزخ به او پناه می برد. امام(ع) هنگامی که یاد مرگ می افتاد، همچون خائفان می گریست و وقتی که به نماز می ایستاد، وجودش مملو از خضوع و خشوع بود. آن حضرت از کسانی بود که مرگ را زیاد به یاد می آورند. امام حسن(ع) هنگامی که قصد وضو می کرد، چهره اش دگرگون می شد و از خوف خداوند رنگ صورتش تغییر می کرد. آن حضرت بر تلاوت قرآن مداومت داشت؛ دائماً در آیات آن تدبر می کرد و زمانی که آیه ای را تلاوت می کرد که در آن، خداوند مؤمنان را مخاطب قرار داده بود، با صدای بلند می فرمود: لبیک! اللهم لبیک! امام مجتبی(ع) هر شب سوره کهف را تلاوت می کرد.»

■ **مکارم اخلاق در منظر کریم اهل بیت(ع)**

«احمد بن اسحاق یعقوبی» در کتاب «تاریخ یعقوبی» می نویسد: «جابر می گوید، از امام حسن(ع) شنیدم که می فرمود: مکارم اخلاق ده چیز است، راستگویی، ناامیدی از غیر خدا، بخشش به نیازمندان، خوش اخلاقی، پاداش دادن در برابر خدمت دیگران، پیوند با خویشان، حمایت از همسایه، توجه به حقوق دوستان، میهمان نوازی و در رأس همه آن ها، شرم و حیا. آورده اند که شخصی از امام حسن(ع) پرسید: بهترین نوع معیشت کدام است؟ فرمود: آن معیشت که دیگران را در آن شریک کنیم. آن شخص دوباره پرسید: حال بفرمایید بدترین نوع معیشت کدام است؟ آن حضرت فرمود: آن معیشت که جز خودمان را از آن بهره ای نباشد. از امام حسن(ع) همچنین، روایت شده است که فرمود: بدترین مصیبت، بداخلاقی است و برترین عبادت، انتظار فرج.» امام مجتبی(ع) در گفتار، بسیار با ادب بود و جز در موارد لزوم سخنی نمی گفت. ادب و وقار امام(ع) آن اندازه بود که حتی دشمنی مانند معاویه نیز به آن اعتراف می کرد. «یعقوبی» در کتاب خود به نقل از معاویه می نویسد: «هنگام صحبتِ هیچ کس مایل به سکوت نبودم، مگر حسن بن علی؛ حتی یک بار از زبان او ناسزایی نشنیدم.» افزون بر تمام این صفات، آن امام همام(ع) اهل تفکر و تعقل بسیار بود. «ابراهیم بن محمد جوینی» در کتاب «فرائد السمطین»، از قول رسول خدا(ص) روایتی نقل می کند که آن حضرت فرمود: «لو کان العقل رجلاً لکان الحسن؛ اگر عقل در قامت مردی مجسم می شد، آن مرد، حسن بود.»

برادر و دایی عزیز جناب آقای دکتر محمدرضا تابش
اخذ مدرک دکترای مدیریت D.B.A
را که نشان از لیاقت و شایستگی شماست تبریک گفته و از درگاه ایزد منان سلامتی و موفقیت بیشتری را آرزومندیم. ۹۴۳۶۸۱۳۸/ل
طیبه تابش - محمدحسن مظلوم - مریم و الهام دکتر زهرا مظلوم - دکتر جواد مظلوم

برادر و دایی عزیز جناب آقای دکتر محمدرضا تابش
اخذ مدرک دکترای مدیریت D.B.A
را به شما تبریک گفته و از درگاه خداوند برایتان سلامتی و سربلندی آرزومندیم. ۹۴۳۶۸۱۷۸/ل
اعظم تابش - عباس دبیریان
امیر و فائزه - وحید و دینا و علی دبیریان

جناب آقای دکتر پوریوسف
با سپاس و قدردانی از خدمات ارزنده
سرکار خانم دکتر شکیب
انتصاب حضرتعالی را به عنوان مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی تبریک عرض نموده، توفیقات روزافزون جناب عالی را در جهت رشد و شکوفایی اهداف سازمان بهزیستی آرزومندیم.
مرکز اجتماع درمان مدار خصوصی مشهد (TC)
شفیعی کدکنی ۹۴۳۶۸۰۴۹/ل

جناب آقای دکتر پوریوسف
انتصاب شایسته جنابعالی را به سمت
مدیر کل بهزیستی
خراسان رضوی
تبریک عرض می نماییم.
مرکز تخصصی بستری
درمان اعتیاد خراسان ۹۴۳۶۷۳۲۵/ل

همکار گرامی
سرکارخانم دکتر سیما کدخدائیان
ارتقاء شایسته جنابعالی را به مقام شامخ
استادی
دانشگاه علوم پزشکی مشهد
تبریک عرض می نماییم. ۹۴۳۶۷۵۹۱/ف
گروه زنان و مامایی
بیمارستان امام رضا (ع)

همکار محترم
سرکارخانم دکتر سیما کدخدایان
ارتقاء شایسته جنابعالی را به مقام شامخ
استادی دانشگاه علوم پزشکی
به شما و همسر گرامیتان
جناب آقای دکتر نقیب زاده
تبریک عرض نموده، سلامتی و توفیق روز افزون برایتان آرزومندیم.
هیئت مدیره - مدیر عامل
پزشکان و کارکنان بیمارستان مهر ۹۴۳۶۶۹۳۷/ف

جناب آقای دکتر داستانی
ریاست محترم بیمارستان قائم مشهد
ضمن تشکر از مساعدتهای شما و پرسنل محترم بخش قلب ومخصوصا
جناب آقای دکتر احمدی
که با دستان پر توان خود با همراهی آقای دکتر نوائی و دیگر عزیزان در مورد معالجات قلب اینجانب نهایت سعی و تلاش را نموده اند تشکر وامتنان دارم.
با آرزوی سلامتی و موفقیت- نیشابور
محمد تهرانچی ۹۴۳۶۷۲۹۹/ش

جناب آقای دکتر پوریوسف
مدیرکل محترم بهزیستی استان خراسان رضوی
خدمت به جامعه هدف بهزیستی توفیقی است گران سنگ و ارجمند که نصیب جنابعالی گردیده است.
بدینوسیله این انتصاب بجا و شایسته را تبریک عرض نموده، ضمن قدردانی از زحمات بی دریغ
سرکار خانم دکتر شکیب که با تلاش خود نام نیکی در پهنه استان به یادگار گذاشته اند، از درگاه خداوند متعال توفیقات پایدار و خدمت ماندگار برایتان آرزومندیم.
هیئت مدیره، مدیرعامل، کارکنان و توانخواهان موسسه خیریه توانبخشی و نگهداری معلولین جسمی حرکتی شهید فیاض بخش (عبدا... هنری) مشهد ۹۴۳۶۹۰۳۶/ا

جناب آقای دکتر اسدا... میرزائی جراح محترم قلب و عروق
جناب آقای دکتر کریمی متخصص محترم بیهوشی
جناب آقای دکتر سلطانی جراح محترم قلب و عروق
بدینوسیله از زحمات شایسته و ارزشمند شما و پرسنل محترم بیمارستان جوادالائمه در معالجه اینجانب صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم.
دکتر محمدعلی حسنی- دندانپزشک ۹۴۳۶۸۵۹۴/م

جناب آقای مهندس محمدرضا جلالی نژاد
مدیرعامل محترم
جناب آقای مهندس جواد مروتی
ریاست محترم هیئت مدیره
شرکت مات بتن پایا
کسب عنوان تولیدکننده برتر کشوری از سوی مرکز تحقیقات راه، اداره مسکن و شهرسازی، وزارت راه و شهرسازی و انجمن بتن ایران را که نشانه تخصص و همت والای شما عزیزان می باشد، تبریک عرض نموده و آرزوی موفقیت روزافزون شما را در تمام عرصه ها داریم. ۹۴۳۶۷۷۷۰/م
کمالی
و شرکت سیمان آوران آلاداغ

برادر عزیزم جناب آقای دکتر محمدرضا تابش
اخذ مدرک دکترای D.B.A
از دانشگاه Golden State آمریکا
را صمیمانه تبریک گفته برایتان آرزوی سلامتی و سربلندی در تمام مراحل زندگی داریم.
عباس پور فتح له - نجمه تابش ۹۴۳۶۸۱۴۱/ل

مدیرکل محترم بهزیستی کل خراسان رضوی
جناب آقای دکتر پوریوسف
انتصاب شایسته حضرتعالی را تبریک عرض نموده و موفقیت شما در تحقق اهداف مقدس آن سازمان در یاری رسانی به اقشار نیازمند به ویژه معلولین را از درگاه ایزدمنان خواستاریم.
موسسه معلولین امام جواد (ع) - شاندیز
سازمان مردم نهاد خیریه نورالرضا (ع) ۹۴۳۶۸۶۰۷/م